

عوامل شناختی مؤثر بر ساختار نابهنجار کتابخوانی

اثر: سید داود حاجی میررحیمی *

چکیده:

مطالعه و کتابخوانی، ابزار اصلی افزایش سطح آگاهی و دانش تک تک افراد جامعه است. در ایران بروز موانع عدیده‌ای بر سر راه رشد و نهادینه شدن فرهنگ عادت به مطالعه، مسیر رشد و توسعه سریع کشور را با مشکلاتی مواجه ساخته است که در درازمدت نتایج تأثرانگیزی به بار خواهد آورد. بررسی حاضر، پیرامون این معضل و به سبب نیاز به انجام پژوهش‌های علمی لازم برای کشف عوامل مؤثر در این ساختار نابهنجار، صورت گرفته است. این مطالعه، روی کارکنان و دانشجویان بخش کشاورزی و منابع طبیعی انجام گرفته و شاخصهای متعددی بررسی شده است. نگارنده پس از بیان دیدگاههای موجود در زمینه کتابخوانی در ایران، پیرامون روش تحقیق و تفسیر یافته‌های تحقیق حاضر، استدلال کرده است.

مقدمه:

دنیای پیشرفته امروز، انسان آگاه و مسلط به آخرین دانش و مهارت روز را می‌پذیرد. انسانی که آزاد اندیش، پرتلاش و کوشا در کسب دانش و اطلاعات بهنگام، صحیح و بموقع باشد. بخش فرهنگی و اجتماعی هر جامعه از بخشهای

* عضو مرکز تحقیقات منابع طبیعی سازمان جهادسازندگی قم

کتابداری / دفتر ۳۳-۳۲، ۱۳۷۸

بنیانی به شمار می‌آید به نحوی که ساختار سایر بخشها مانند اقتصاد، سیاست بر مبنای سازه‌های بخش مذکور، طراحی و تدوین می‌گردد. اجرا و ارزشیابی هر یک از امور در جامعه و هر نوع رفتار، کنش و واکنشی از افراد جامعه متأثر از سازمان فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است.

توسعه فرهنگی به مفهوم لغوی، وسعت بخشیدن به فرهنگ و در معنای گسترده و کاربردی، مهیا کردن تمامی شرایط برای همگامی با علوم روز با مشارکت کلیه طبقات فرهنگی و اجتماعی است. به بیانی دیگر توسعه فرهنگی، فراهم آوردن امکانات آفرینندگی فرهنگی و هنری بر پایه مشارکت تمامی افراد، کمال مطلوب و زیربنای توسعه همه جانبه محسوب شود. به اعتقاد برخی اندیشمندان، توسعه فرهنگی اصلاح و تحول وضعیت موجود و تجلی تواناییها و استعدادهاى نهفته در راستای هموار ساختن و تسریع فرایند پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون است. در زمینه تعالی این نوع توسعه (فرهنگی)، شاخصهای متعددی ایفای نقش می‌کنند که سطح دانش و آگاهیهای عمومی و تخصصی افراد جامعه بیش از هر عاملی اهمیت دارد و در این میان سطح آگاهیهای عمومی افراد جامعه با عنایت به ارزشمندی آن در بهبود و اصلاح امور فردی، اجتماعی و حتی بطور غیر مستقیم در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در این راستا، مطالعه و کتابخوانی ابزار اصلی افزایش سطح آگاهی و دانش تک تک افراد جامعه است. متأسفانه در ایران بروز موانع عدیده‌ای بر سر راه رشد و نهادینه شدن فرهنگ عادت به مطالعه، مسیر رشد و توسعه سریع کشور را با مشکلاتی مواجه ساخته است که در دراز مدت نتایج اسفباری به بار خواهد آورد. به سبب عدم انجام پژوهشهای علمی لازم برای کشف عوامل موثر در این ساختار نابهنجار، انجام مطالعه‌ای پیرامون این معضل، ضروری دانسته شد. در این مطالعه که روی کارکنان و دانشجویان بخش کشاورزی و منابع طبیعی صورت پذیرفته شاخصهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله پس از بیان

دیدگاه‌های موجود در زمینه کتابخوانی در ایران به کنکاش پیرامون روش تحقیق و تفسیر یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

ارزشمندی استقرار و تقویت فرهنگ کتابخوانی در جامعه اسلامی

در دین مبین اسلام هیچگونه محدودیت زمانی، مکانی و مادی برای کسب علم و دانش لحاظ نشده است و برای جویای علم و آگاهی، مقام والایی منظور شده است. حدیث معروف «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» بارزترین نمونه این تأکید است. برای طالب علم، عامل علم و معلم ارزش فراوانی قائل است و در این باره بیانات با ارزشی از سوی معصومین علیه السلام ارائه شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «طلب علم در همه حال واجب است» حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است». حضرت علی (ع) می‌فرماید: هر کس به جستجوی علم برخیزد مجاهد راه خداست». در رابطه با علم نیز تأکید شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بار درخت دانش، کردار نیک است نه گفتار نیک» و «آفت دانش به کار نیستن آنست». در باب رساندن علوم به سایرین نیز خداوند متعال و ائمه اطهار (ع) سخنان گویباری بیان نموده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید «زکات علم، آموختن آن به دیگران است» و «از آنچه می‌دانی به نادان بیاموز» حضرت امام جواد (ع) نیز می‌فرماید «استاد و دانشجو هر دو در هدایت و رشد هم سهیم هستند». یک مسلمان واقعی در، با، و برای جامعه‌اش با هدف تعالی و قرب الی الله زندگی می‌کند و جامعه اسلامی نیز جامعه‌ای است که مکلف است با درهم آمیختن مطالعه و زندگی به روح و جوهر دین پایبند باشد و تنها انسان آگاه و پرتوان تاب ماندن در چنین جامعه‌ای را دارد. از طرف دیگر همگامی هر ملتی با علوم و فنون جدید و حرکت علمی در این راستا، ضرورت کسب جایگاه شایسته در جهان امروزی است، ابزارهای مقدس برای دستیابی به این موقعیت وجود دارد که اساسی‌ترین آنها فرهنگ مطالعه و کتابخوانی است؛ فرهنگی که به سربلندی یک

ملت می‌انجامد و تعلق در ساخت مناسب و مستمر آن صدمات جبران ناپذیری به توسعه فعلی و آتی جامعه وارد می‌سازد.

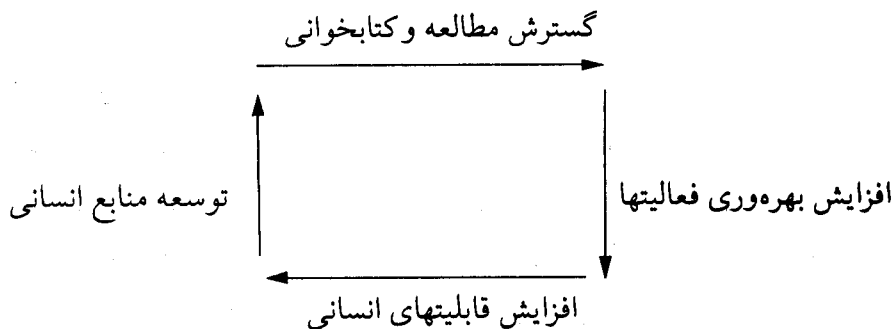
کتابخوانی لازمه توسعه پایدار

توسعه، تغییر و تحول وضعیت ابتدایی و تجلی تواناییها و استعدادهاى نهفته در مسیر پیشرفت همه جانبه جامعه تلقی می‌گردد. توسعه به دست انسان و برای انسان صورت می‌گیرد و مشخصاً پایه این تغییر و تحول، تغییر در رفتار فردی و اجتماعی تک تک افراد جامعه به سوی کسب دانش، مهارت و بینش سازگار با علم روز در جهت شناخت و به عمل درآوردن روز افزون پدیده‌ها و ناشناخته‌های بشری است. منشأ تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رشد آگاهیها و تواناییهای نیروی انسانی فعال جامعه است و از آنجایی که نیروی انسانی با قابلیتها و انگیزه‌های متفاوت، عملکرد متفاوت دارند و این انسانهاىند که عامل ایجاد پیشرفت و به کارگیری فن‌آوری‌اند. بنابراین لازم است لوازم و تجهیزات ضروری برای شکوفایی این استعدادهاى نهفته متنوع، شناخته شود. توسعه پایدار به عنوان یک توسعه بلند مدت که به پیشرفت کنونی در مقابل پیشرفت آینده ارجحیت نمی‌بخشد، سیاست بهره‌گیری بهینه از منابع موجود برای تضمین توسعه مطلوب نسلهای آینده را توصیه می‌کند. چنین سیاستی اصولاً به وسیله یک ملت آگاه، طراحی و به اجرا در می‌آید. افزایش کمیت و کیفیت زندگی از اهداف اصلی توسعه جامعه بشری است. پیشرفتهای علمی و فنی، گسترش ارتباطات و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مبارزه با فقر، بیکاری و بیماری، حفاظت از محیط زیست، غنای اقتصادی، رفتار مناسب فردی و اجتماعی از سازه‌های بسیار مهم در این راستا است که همگی متأثر از سطح دانش و مهارت بالای نیروی انسانی فعال می‌باشد. تا جایی که سواد در فرایند توسعه جهانی امروز معیار پرتوانی است و از حد برداشتهای متداول، که بیشتر سواد را در همان قالب سوادآموزی می‌بینند، فراتر

رفته است. امروزه با سواد کسی است که با درک مراحل توسعه جامعه خویش به انجام رفتارهای مناسب و تقویت کننده این مراحل اقدام نماید و جامعه را به سوی تحول فکری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رهنمون سازد.

بطور یقین بستر مناسب این رشد و توسعه، کتابخوانی است. مطالعه تازه‌ترین پیامها و مقالات موجود در مجلات، روزنامه‌ها و کتب، نقشی مهم در به روز ماندن توان فکری و عملی اعضای جامعه ایفاء می‌کنند و برای تحقق توسعه پایدار به عنوان یک رهیافت دوراندیشانه ضروری است. همانطور که در نمودار (۱) ملاحظه می‌گردد گسترش مطالعه و کتابخوانی به توسعه منابع انسانی و افزایش قابلیت‌های اعضای جامعه انجامیده و در نتیجه کارایی بالای افراد جامعه و بهره‌وری بالای فعالیتها را به دنبال خواهد داشت.

نمودار (۱): فرایند توسعه همه جانبه پایدار



وضعیت کتابخوانی در ایران از دیدگاه آماری

مطالعات چندی در این زمینه انجام پذیرفته است که با نهایت تأسف یافته‌های تحقیرآمیز و ناشایستی، آنهم برای یک جامعه اسلامی نشان داده است. اطلاعات حاصله حاکی است که میانگین تیراژ کتب و نشریات در ایران حدود ۳۰۰۰ جلد

است که حتی نسبت به کشورهای در حال توسعه در سطح پایینی قرار دارد. در برخی استانهای کشور تعداد کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی به میزان یک کتاب برای ۱۰ نفر است که بسیار نازل می‌باشد^{۵ و ۲}. در ایران بطور کلی در شبانه روز هر ایرانی ۱۰ ثانیه از وقت خویش را صرف مطالعه می‌کند و سهم کتابخوانی هر ایرانی در سال یک کتاب است که تماماً حکایت از مشکل حاد کتابخوانی در ایران دارد. در حقیقت درک موضوع در زمینه تأثیر فراوان و محدود کننده‌ای که بر فرایند توسعه ایران دارد، می‌تواند ما را با عمق مشکل آشناتر سازد.

البته بر اساس گزارش مسئولین، وضعیت کتابخوانی در ایران رو به بهبود است. در طول یک سال گذشته رشدی معادل ۲۰ درصد در مراجعان به کتابخانه‌های عمومی دیده می‌شود. در ۷۵۰ مسجد کشور، کتابخانه‌های فرهنگی مطالعاتی تأسیس شده است که بر اساس اطلاعات دریافتی در گسترش امر مطالعه در کشور نقش خوبی داشته‌اند^۶. همچنین ۸۰ درصد کتابهای عرضه شده، کتابهای غیر اعتقادی و غیر دینی اند و فقط ۲۰ درصد در این چارچوب قرار دارند.^۶

سابقه تحقیق:

تحقیقات علمی اندکی پیرامون مسائل و مشکلات بخش کتابخوانی ایران به انجام رسیده است. بیشتر مطالب مرتبط با موضوع، جنبه تبیین دیدگاه و یا نظریه پردازی داشته است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند. برخی اندیشمندان با بررسی موانع گسترش فرهنگ مطالعه به دو گروه عامل اشاره می‌کنند: در گروه اول، به شاخصهایی مانند بیسوادی و کم سوادی، عدم درک فرایند توسعه، فقر فرهنگی، غفلت از فلسفه آفرینش، ضعف فرهنگ عمومی و مشکلات تهیه کتاب. در بخش دوم، به عواملی مانند وجود روش یک کتابی در نظام آموزش و پرورش، عدم ایجاد درس مستقلی به نام کتابخوانی، عدم برپایی طرح مشاوره و راهنمایی و هسته‌های مشاوره و طرح آشنایی با جامعه، محو مفهوم حقیقی درس انشاء، عدم

برقراری مکرر مسابقات کتابخوانی اشاره می‌کنند^۲. این گروه از متفکران در نهایت توصیه می‌کنند باید با افزایش درک خانواده‌ها و برنامه‌ریزی صحیح بر این معضل عمده فرهنگی - اجتماعی فائق آمد.

فدایی عراقی (۱۳۷۲) در تشریح موانع اطلاع‌رسانی به عنوان عامل اصلی گسترش مطالعه و کتابخوانی در ایران، عدم عنایت به تفکر منظم و منطقی در کارها، نبودن روحیه جمعی، عدم ثبات مدیریتها، حاکمیت تفکر بخشی (تک بعدی)، جدی نگرفتن یافته‌های تحقیقاتی از طرف مقامات مسئول، مشکل عدم تسلط بر زبان خارجی، عدم تفاهم یا ارتباط بین اطلاع‌رسانان و متخصصان رایانه را مانع اصلی فرایند گسترش دانش و آگاهیهای افراد جامعه تلقی می‌کند و توصیه می‌نماید هر چه سریعتر نظامی برای گردآوری، ذخیره، بازیابی و رساندن اطلاعات به مخاطبین طراحی^۳ گردد. برخی دیگر از محققان و صاحب‌نظران، عمده نواقص مربوط به کتاب و کتابخوانی را در ایران متوجه نظام آموزش و پرورش کشور می‌دانند و معتقدند آموزش و پرورش وظیفه دارد ضمن نهادینه کردن مطالعه و همه گیر کردن عادت به مطالعه، در برنامه‌ریزی آموزشی مدارس در سطوح مختلف به این موضوع عنایت خاصی نماید. همچنین معتقدند آموزش و پرورش باید کودکان را از همان دوران دبستان با لذت دریافت آشنا کرده و افرادی خلاق تربیت کند. رسانه‌ها نیز می‌توانند نقش فراگیری در نهادینه کردن و همه گیر کردن عادت به مطالعه در جامعه داشته باشند. توصیه می‌کنند رسانه‌ها، از طریق پرسشهای مهم اجتماعی و برانگیختن قوه تفکر و ایجاد بستر مناسب مطالعه، اقدام لازم را به عمل آورند^۵.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد ۷۰ درصد مراجعین به کتابفروشیها، عامل اصلی کاهش کتاب و در نتیجه کتابخوانی را مشکلات اقتصادی و گرانی قیمت کتاب دانسته‌اند^۵. همین گزارش سطح درآمد پایین اقشار تحصیل کرده را، عامل دو و سه شغله شدن کتابخوانان جامعه دانسته و خاطر نشان ساخته است که این امر تأثیر

بسازی در کاهش گرایش به مطالعه گذاشته است. در گزارش مذکور از دید برخی روشندگان کتب، ایجاد حساسیت برای ناشرین و وضعیت اقتصادی ناهنجار، بخش دیگری از مشکلات کتابخوانی تلقی شده است. برخی، کمبود وقت، عادت نداشتن به مطالعه را عامل توسعه نیافتگی کشور نیز دانسته‌اند. این گروه، کاهش قیمت‌ها، تشویق و ترغیب نویسندگان و مترجمان به کار، افزایش تیراژ کتب را راه حل عمده این معضل معرفی کرده‌اند.

از دیدگاه متخصصین صنعت نشر، مشکل این بخش، عدم وجود شرایط عادت به مطالعه در کشور است.

از این دیدگاه دو خط مشی برای ایجاد شرایط عادت به مطالعه پیشنهاد می‌شود:

۱- اجبار مردم به مطالعه ۲- دادن یارانه‌های کلان

البته منظور از اجبار در واقع با توجه به مفهوم بیان شده، نهادینه کردن فرهنگ مطالعه است. در این خط مشی توصیه می‌شود باید نسل‌های فعال آینده را در مدارس آموزش داد و رغبت لازم را در آنان برای مطالعه در طول زندگی خویش فراهم کرد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی آموزشی مدارس، «ساعات مطالعه» و «آموزش نحوه مطالعه» گذاشته شود و دانش‌آموزان ترغیب به مطالعه کتب غیر درسی شوند. در خط مشی دوم نیز پیشنهاد می‌شود از سوی دولت و مؤسسات خیریه و خصوصی، سرمایه‌گذاری کلان در زمینه یاری رساندن به فرایند تألیف، ترجمه، نشر، توزیع و مطالعه کتاب صورت پذیرد.

طرح تحقیق

۱- روش تحقیق (Research method)

در این مطالعه جهت شناخت عوامل موثر در ساختار ناهنجار کتابخوانی از روش تحقیق پیمایشی (Research Survey) استفاده شده است. متغیرهای مستقل (Independent var) عبارتند از سطح تحصیلات، شغل، سن، وضعیت تأهل و

وضعیت اقتصادی و متغیرهای وابسته (Dependent var) شاخص‌های مربوط به سازه‌های تأثیرگذار بر ساخت‌بندی ناهنجار کتابخوانی می‌باشد.

۲- جمعیت مورد مطالعه و نمونه (Target population and sample)
 جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق کارکنان سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و جنگ و مرتع وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی و دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی (Random sampling) تعداد ۲۴۰ نفر برگزیده شدند.

۳- ابزار تحقیق (Research instrument)
 ابزار جمع‌آوری اطلاعات، عبارت از یک پرسشنامه با مقیاسی از نوع لیکرت (Likert) شامل ۲۱ عبارت در یک جدول و ۱۴ عبارت در جدولی دیگر بود. بطوری که هر آزمودنی در مقابل هر عبارت تنها به یکی از پنج عنوان خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد می‌توانست پاسخ دهد و همچنین ۱۴ عبارت بعدی را نیز رتبه‌بندی کند. ارزش نمره‌ای هر عبارت برای خیلی کم، کم، یک، کم، عدد دو، متوسط، عدد سه، زیاد، عدد چهار و خیلی زیاد، عدد پنج بود. بنابراین حداکثر نمره‌ای که هر عبارت می‌توانست به دست آورد پنج و حداقل یک بوده است.

طرز تهیه پرسشنامه تحقیق

ابتدا بطور تصادفی ۱۰ نفر از کارکنان و دانشجویان جمعیت مورد مطالعه (خارج از نمونه) انتخاب و از آنان خواسته شد فرم تهیه شده را با ارائه نظرات خود پیرامون عوامل مداخله‌کننده در وضعیت نابسامان کتابخوانی در جامعه ایران و طرق رفع آن، تکمیل نمایند. با جمع‌آوری داده‌های فوق و همچنین نتایج مطالعات انجام شده، فهرست ۵۰ عامل در زمینه «موانع عادت به مطالعه» و ۳۰ مورد «روش رفع این موانع» تهیه و در قالب پرسشنامه‌ای به نظر ۲ نفر از افراد متخصص علوم اجتماعی و با تجربه رسانده شده تا مهمترین را برگزینند. در نهایت ۲۱ مورد ویژه

عوامل مؤثر در عدم عادت و ۱۴ مورد ویژه رفع این موانع، استخراج گردیدند. سپس پرسشنامه نهایی از لحاظ اعتبار محتوایی و ظاهری (Face and content validity) مورد تأیید چند نفر از متخصصان قرار گرفت. در نهایت شاخصهای ذیل به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر ساختار نابهنجار کتابخوانی شناخته شدند.

تیراژ پایین کتب و نشریات، عدم تسلط عموم مردم به زبانهای معتبر و بین‌المللی، عناوین محدود کتب و نشریات، کیفیت پایین کتب و نشریات، وجود قوانین محدود کننده مطبوعاتی، حاکمیت تفکر مادی در جامعه، عدم انطباق دانش کاربردی در جامعه با آنچه در کتب و نشریات مطرح است، چند شغله بودن و عدم وجود فرصت کافی، تبلیغات ضعیف در زمینه کتابخوانی، عدم تناسب کتب و نشریات مطابق ذوق و سلیقه مردم، کمبود کتابخانه‌های عمومی و ملی در سراسر کشور، ضعف کتابخانه‌های موجود در کشور از لحاظ تنوع، کمیت و کیفیت کتب و نشریات، عدم برگزاری نمایشگاههای فروش کتب در کلیه نقاط کشور، سطح پایین فرصتهای شغلی در جامعه و شیوع بیکاری، ضعف عملکرد خانواده‌ها در تشویق فرزندان به سوی مطالعه، ضعف آموزش و پرورش کشور در گسترش فرهنگ کتابخوانی، ضعف قوانین استخدامی کشور در مورد اولویت ندادن به افراد دارای سطح آگاهیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بالاتر، گسترش کمی برنامه‌های رادیو و تلویزیون، ضعف مشوقهای سازمان یافته و ضعف فرهنگ حاکم بر جامعه.

همچنین راههای ذیل به منظور رفع موانع گسترش فرهنگ مطالعه به عنوان راههای مهم شناسایی گردیدند:

رفع نسبی مشکلات اقتصادی مردم، افزایش فرصتهای شغلی، کاهش قیمت کتب و نشریات، گسترش هر چه بیشتر تبلیغات مربوط به کتابخوانی در میان نسل جوان، افزایش کتابخانه‌های ملی و عمومی در سراسر کشور بالاخص در روستاها و شهرهای کوچک، افزایش کمیت و کیفیت کتب کتابخانه‌ها، چاپ و انتشار کتب با

عناوین مختلف برای پاسخگویی به سلیقه و ذوق عموم مردم، برگزاری نمایشگاههای بزرگ و کوچک، فروش کتب در شهرهای مختلف و مراکز دهستانها، آموزش خانواده‌ها در تشویق فرزندان خویش به مطالعه کتب و نشریات، رفع نواقص استخدام کشوری، ایجاد سازمانهای مخصوص برگزاری مسابقات کتابخوانی و ارائه جوایز که بطور مستمر فعالیت مجدانه‌ای در این زمینه داشته باشد، تلاش آموزش و پرورش برای رفع نواقص تدریس و آموزش و تبدیل روش برنامه‌ریزی آموزشی از تأکید بر حفظیات به برنامه‌ریزی با تأکید بر درک مطلب، رفع قوانین محدود کننده مطبوعاتی و گسترش آموزش زبانهای بین‌المللی در جامعه.

۴- رویه تحقیق: (Research Procedure)

به منظور انجام تحقیق، پرسشنامه‌ها حضوراً در اختیار اعضای نمونه تحقیق قرار گرفت. همچنین برای جلب همکاری و اطمینان خاطر آزمودنیها توضیحات لازم پیرامون اهمیت موضوع و عدم انتشار اطلاعات فردی داده شد. از لحاظ زمانی نیز برای تکمیل پرسشنامه‌ها، محدودیتی اعمال نگردید و از پاسخگویان خواسته شد نام و نام خانوادگی خود را روی برگه‌های مقایس ننویسند.

۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (Data Analysis)

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا آنها کدبندی و سپس با استفاده از نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند در این مطالعه از آمارهای توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین، آزمون همبستگی، پیرسون و از آمارهای استنباطی مانند آزمون کروسکال و ایس استفاده گردید.

یافته‌ها و بحث

۱- خصوصیات نمونه تحقیق (Demographic)

- ۱-۱- سطح تحصیلات: بر اساس داده‌های جدول (یک) ۳۷/۵، ۵۴/۲ و ۸/۳ درصد اعضای نمونه بترتیب دارای مدرک دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس هستند.
- ۱-۲- شغل: بر همین اساس ۵۰ درصد از اعضای نمونه را کارکنان و ۵۰ درصد دیگر را دانشجویان تشکیل داده‌اند.
- ۱-۳- سن: طبق اطلاعات جمع‌آوری شده، متوسط سن اعضای نمونه ۳۳/۲۵ سال است.
- ۱-۴- وضعیت تأهل: داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد ۶۶/۷ و ۱۲/۵ درصد نمونه، بترتیب مجرد و متأهلند.
- ۱-۵- وضعیت اقتصادی: بر اساس داده‌های جدول مذکور ۸۷/۵ و ۱۲/۵ درصد اعضای نمونه بترتیب از وضع اقتصادی متوسط و ضعیفی برخوردارند.

جدول (۱): توزیع فراوانی و میانگین خصوصیات اعضای نمونه

سطوح متغیر		فوق لیسانس		لیسانس		فوق دیپلم		دیپلم		
متغیر	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
سطح تحصیلات	-	-	۲۰	۸/۳	۱۳۰	۵۴/۲	-	-	۹۰	۳۷/۵

سطوح متغیر		کارمند		آزاد (خصوصی)		دانشجو		متغیر		
متغیر	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	وضعیت تأهل	
وضعیت تأهل	۱۲۰	۵۰	۱۲۰	۵۰	-	-	-	-	۹۰	۳۷/۵

سطوح متغیر		مجرد		متأهل		متغیر		شغل	
متغیر	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	شغل
شغل	۱۶۰	۶۶/۷	۸۰	۳۳/۳	-	-	-	-	-

سطوح متغیر		خوب		متوسط		ضعیف		متغیر	
متغیر	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	وضعیت اقتصادی
وضعیت اقتصادی	-	-	۲۱۰	۸۷/۵	۳۰	۱۲/۵	-	-	-

۲- یافته‌های مربوط به موضوع تحقیق

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد از دید اعضای نمونه تحقیق، «تیراژ پایین کتب» نمی‌تواند عامل تأثیرگذار مهمی بر عدم کتابخوانی افراد باشد. (ارزش متوسط = $2/7$) این نتیجه ضمن همراهی با بعضی از نظریات مطرح شده در این مقاله، با بعضی دیگر سازگار نیست^(۵). در نظرخواهی انجام شده توسط روزنامه سلام «تیراژ پایین» به عنوان یک عامل مهم در ایجاد معضل کتابخوانی محسوب شده است. البته بیشتر به نظر می‌رسد که این امر دو وجه دارد. یکی اینکه با افزایش تیراژ، قیمت کلی کتاب کاهش می‌یابد و از سویی با افزایش تیراژ، حقوق مؤلفین و مترجمین افزایش می‌یابد و در نتیجه، انگیزه فعالیت بیشتری در آنان ایجاد می‌شود. حتی برخی معتقدند این افزایش تیراژ باید به صورت چاپ در قطعات مختلف بالاخص جیبی صورت پذیرد^(۴).

نتیجه حاصله در این مطالعه نیز قابل تأمل است در واقع شاید اعتقاد اعضای نمونه بر این باشد که هر چند عامل افزایش تیراژ در کل می‌تواند تأثیراتی بر موضوع بگذارد ولی تا وقتی واقعاً سازگاری عمومی با موضوع کتابخوانی در جامعه حکمفرما نیست حرکت به سوی «افزایش تیراژ کتب» تلاشی نافرجام است (جدول ۲).

سایر یافته‌ها، از آن حکایت دارد که همبستگی بالایی در سطح 0.5 بین سن افراد و تیراژ کتب وجود دارد. یعنی با افزایش سن اعضاء، عقیده آنان به سمت مؤثر بودن شاخص فوق در عدم کتابخوانی گرایش یافته است. با توجه به همبستگی منفی سن با سطح تحصیلات اعضای نمونه و همبستگی بالای دانشجو بودن با سطح تحصیلات، اکثریت دانشجویان اعتقاد داشتند مسئله اصلی، «تیراژ کتب» نیست بلکه با توجه به نظریات افراد نمونه تحقیق در رابطه با تأثیر شاخص «کیفیت پایین کتب» بر موضوع عدم کتابخوانی (ارزش متوسط = $3/1$)، «کیفیت پایین کتب» موضوع با اهمیت تری است مسلماً «کیفیت پایین کتب باعث کاهش رغبت عمومی

افراد جامعه به سوی کتابخوانی می‌شود. متأسفانه همانطور که در بررسی منابع ملاحظه شد در این زمینه تأکیدات کمی صورت گرفته و کمتر صحبتی از تأثیر «کیفیت کتب» بر عدم رغبت به مطالعه در کشور شده است.

داده‌های حاصله از میزان تأثیرگذاری عدم تسلط اکثریت افراد جامعه، حتی قشر تحصیل کرده دانشگاهی به زبانهای بین‌المللی مانند انگلیسی، دیدگاه «نسبتاً زیاد» ارائه می‌کنند. همچنین همبستگی بالایی در سطح ۰.۵٪ بین سن افراد و این شاخص وجود داشته است. بدین معنی که هر چه سن پاسخگویان افزایش یافته تأثیر این عامل در عدم کتابخوانی بیشتر تلقی شده است، دلیل این نتیجه شاید این باشد که با توجه به همبستگی سن و شغل افراد، افرادی که بیشتر از محیطهای درسی دور شده‌اند، تأثیر این نوع عدم توانایی را بر موضوع تحقیق بیشتر درک کرده‌اند. آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری در سطح ۰.۵٪ بین میانه پاسخگویان از لحاظ سطح تحصیلات و وضعیت تأهل با دیدگاهشان نسبت به تأثیر این شاخص بر موضوع عدم کتابخوانی وجود دارد (کای اسکوار = ۵/۶۵۲). به عبارتی افراد تحصیل کرده و متأهل اهمیت بیشتری برای این عوامل قائل شده‌اند. متأسفانه این عامل تاکنون کمتر توسط برنامه‌ریزان فرهنگی و اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته است. و یافته مذکور حکایت از اهمیت زیاد این عامل در عدم کتابخوانی افراد جامعه دارد. این درحالی است که اکثریت دانشجویان که نیاز مبرمی نیز به منابع اطلاعاتی روز دارند به دلیل عدم توانایی در مطالعه این منابع در ضعف بسر می‌برند و گرایش به این سمت نشان نمی‌دهند. این مسئله جای تفحص و کنکاش بیشتری دارد و لازم است برنامه‌ریزان کشور در این زمینه چاره مناسبی بیندیشند.

یکی دیگر از عوامل مورد بررسی «عناوین محدود کتب و نشریات» است که از نظر افراد نمونه بیش از حد متوسط بر موضوع عدم کتابخوانی مؤثر بوده است (ارزش متوسط = ۳/۳) شاید دلیل دستیابی به این نتیجه، گوناگونی افکارمختلف جامعه از لحاظ سنی، سلیقه‌ای، عقیدتی و بسیاری ویژگیهای دیگر باشد که مطمئناً

هر یک به سوی نوع خاصی از کتب گرایش دارند. از طرفی بین متغیرهای سن، شغل، وضعیت اقتصادی، تأهل و سطح تحصیلات با تأثیر این شاخص روی موضوع تحقیق رابطه‌ای دیده نشده است (جدول ۲). بررسی میزان تأثیر «گرانی کتب» نشان می‌دهد که این عامل تأثیر بسیار زیادی بر موضوع دارد (ارزش متوسط = ۴/۳) شاید وضع بد اقتصادی، تورم شدید و عدم تناسب درآمد افراد جامعه با هزینه‌ها، از دلایل مطرح در این زمینه باشد. هیچ رابطه‌ای بین سن، سطح تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی و تأهل افراد نمونه با دیدگاهشان نسبت به «گرانی کتب» به عنوان یک دلیل عمده در عدم گسترش کتابخوانی در کشور دیده نشده که این امر حکایت از اتفاق نظر همه افراد نمونه دارد.

جدول (۲): فراوانی درصد و تأثیر شاخص بر عدم استقرار و تقویت فرهنگ کتابخوانی

ارزش	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		میزان تأثیر شاخص		
	فراوانی درصد	خیلی کم	فراوانی درصد	کم	فراوانی درصد	متوسط	فراوانی درصد	زیاد			
متوسط	۲۰/۸	۵۰	۲۵	۶۰	۳۳/۳	۸۰	۴/۲	۱۰	۱۶/۷	۴۰	۱- تیراژ پائین کتب
۲/۷	۸/۳	۲۰	۱۲/۵	۳۰	۳۳/۳	۸۰	۱۲/۵	۳۰	۳۳/۲۸۰	۲- عدم تسلط عموم به زبانهای زنده دنیا	
۲/۳	-	-	۱۳/۶	۳۰	۳۱/۷	۷۰	۳۱/۸	۷۰	۲۲/۷	۵۰	۳- عناوین محدود کتب و نشریات
۴/۳	-	-	-	-	۲۵	۶۰	۱۲/۵	۳۰	۶۲/۵	۱۵۰	۴- گران بودن کتب
۳/۷	۴/۲	۱۰	۸/۳	۲۰	۲۹/۲	۷۰	۳۳/۸	۸۰	۲۵	۶۰	۵- کیفیت پایین کتب و نشریات
۳	۲۱/۷	-	۱۳	۳۰	۱۳	۳۰	۳۴	۸۰	۱۷/۴	۴۰	۶- وجود قوانین محدود کننده مطبوعات
۲/۴	۳۰/۴	۷۰	۲۱/۷	۵۰	۲۱/۷	۵۰	۱۳	۳۰	۱۳	۳۰	۷- حاکمیت تفکر مادی در جامعه
۲/۶	۹/۵	۲۰	۲۸/۶	۶۰	۲۳/۸	۵۰	۲۸/۶	۶۰	۹/۵	۲۰	۸- عدم انطباق دانش کاربردی جامعه با آنچه در کتب و نشریات مطرح است
۳/۵	-	-	۲۹/۷	۷۰	۸/۳	۲۰	۳۷/۵	۹۰	۲۵	۶۰	۹- چند شغلی بودن و عدم وجود فرصت کافی برای مطالعه
۳	-	-	۲۹/۲	۷۰	۴۱/۷	۱۰۰	۲۵	۶۰	۴/۲	۱۰	۱۰- تبلیغات ضعیف در جامعه در زمینه کتابخوانی
۲/۸	۱۳	۳۰	۱۳	۳۰	۳۹/۱	۹۰	۳۴/۸	۸۰	-	-	۱۱- عدم تناسب کتب و نشریات با ذوق و سلیقه عموم مردم

ادامه جدول شماره ۲:

میزان تأثیر شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ارزش
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	متوسط
۱۲- کمبود کتابخانه‌های عمومی و ملی در سراسر کشور	۴۰	۱۶/۷	۶۰	۲۵	۳۷/۵	۳/۴
۱۳- ضعف کتابخانه‌های موجود از لحاظ تنوع، کبیت و کیفیت کتب و نشریات	۶۰	۲۵	۱۱۰	۴۵/۸	۲۵	۴
۱۴- عدم برگزاری نمایشگاه‌های فروش کتب در کلیه نقاط کشور	۸۰	۳۳/۳	۳۰	۱۲/۵	۲۳/۳	۳۵
۱۵- سطح پایین فرصتهای شغلی واقعی در جامعه و شیوع بیکاری	۸۰	۳۶/۴	۳۰	۱۳/۶	۴/۶۵	۳
۱۶- ضعف عملکرد خانواده‌ها و تشویق فرزندان بسوی مطالعه کتب	۶۰	۲۵	۲۰	۸/۳	۴۱/۷	۳/۲
۱۷- ضعف آموزش و پرورش کشور در گسترش فرهنگ کتابخوانی	۶۰	۲۵	۴۰	۱۶/۷	۵۴/۲	۳/۶
۱۸- ضعف قوانین استخدامی کشور در مورد در اولویت قرار دادن افراد با معدل تخصصی، سطح آگاهی اجتماعی سیاسی و اقتصادی بالا	۵۰	۲۲/۷	۵۰	۲۲/۷	۱۸/۲	۲/۸
۱۹- گسترش برنامه‌های رادیو و تلویزیون	۵۰	۲۰/۸	۵۰	۲۰/۸	۵۰	۳/۵
۲۰- ضعف مشوقهای سازمان یافته در جامعه جهت گسترش کتابخوانی	۷۰	۳۰/۴	۱۰۰	۴۳/۵	۱۷/۴	۴
۲۱- ضعف فرهنگ حاکم بر جامعه از لحاظ تأکید بر کتابخوانی	۹۰	۳۷/۵	۷۰	۲۹/۲	۲۹/۲	۴

این نتیجه با نتایج مطالعات مطرح شده در این مقاله کاملاً تطابق دارد. نگاهی به اصول سیاست فرهنگی کشور مؤید توجه بسیار مسئولین به حمایت مادی و معنوی از مراکز و فعالیتهای فرهنگی و هنری تأمین اجتماعی آنها، تشویق آنان به آفرینشها و ابداعات فرهنگی، تأسیس مجتمعهای فرهنگی و هنری، عرضه تولیدات فرهنگی و هنری در راستای کاهش قیمت کتب بوده است.

قوانین محدود کننده مطبوعات در حد «متوسط» در عدم استقرار و تقویت فرهنگ کتابخوانی مهم تشخیص داده شده است (ارزش متوسط = ۳) شاید با توجه به اینکه قوانین فوق در مواردی به حذف برخی عناوین و محتوای مورد علاقه برخی از اقشار جامعه منجر می شود، دلیل تأکید بر موضوع باشد. بین متغیرهای مستقل و میزان تأثیر شاخص مذکور بر موضوع تحقیق، همبستگی معنی داری دیده نشده است. البته قوانین مذکور احتمالاً به دو علت تدوین یافته است. یکسری از دلایل مربوط به محدودیت منابع و توجه به نیازهای جامعه و سری دیگر به حفظ ارزشهای اسلامی بر می گردد^(۶). تعدادی از کتب، واقعاً بیان کننده هویت جامعه نبوده و غیر اخلاقی یا غیر ضروری اند. مثلاً قبل از انقلاب از بیش ۱۰-۱۲ هزار عنوان کتاب چاپ شده ۱۰۰۰ مورد به عنوان عوامل مخرب فرهنگی شناخته شده است^(۶). همچنین لازم است به این نکته توجه شود، جلوگیری از انحراف به مفهوم جلوگیری از ابراز آزادی اندیشه نیست. از طرف دیگر منابع داخل کشور از لحاظ ارزی و مواد اولیه چاپ و نشر محدود است و حتی الامکان باید سعی شود در راستای رفع نیازهای واقعی جامعه، از آنها استفاده بهینه‌ای صورت گیرد.

در همین راستا اعضای نمونه تحقیق معتقد است «عدم تناسب کتب و نشریات با ذوق و سلیقه اکثریت مردم» یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار بر عدم کتابخوانی است (ارزش متوسط = ۲/۸)، که این امر جای تأمل دارد. وجود اندیشه‌های متفاوت در جامعه که کلیه آنها نیز حق رشد و نشر دارند تا حق انتخاب بیشتری به مردم داده شود، لازم است همانطور که در اصول سیاست فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفته است، مورد عنایت خاصی قرار گیرد و تناسب بیشتری بین سلاقی موجود و محتوای کتب و نشریات به وجود آید.

شاخص «عدم انطباق دانش کاربردی جامعه با آنچه در کتب مطرح شده است» از این دیدگاه (ارزش متوسط = ۲/۶) تأثیر تقریباً متوسطی روی موضوع داشته است، همچنین بین متغیرهای مستقل و میزان تأثیر این شاخص بر موضوع همبستگی یا اختلاف معنی داری دیده نشده است. شاید با توجه به نظری که همبستگی یا اختلاف معنی داری دیده نشده است. شاید با توجه به نظری که همبستگی یا اختلاف معنی داری دیده نشده است. شاید با توجه به نظری که همبستگی یا اختلاف معنی داری دیده نشده است. شاید با توجه به نظری که همبستگی یا اختلاف معنی داری دیده نشده است.

رتبه‌بندی نتوانسته کسب نماید و یا واقعاً این شاخص با واقعیت کاملاً قرین نباشد. یکی از عامل‌های مداخله‌کننده دیگری که مورد بررسی قرار گرفت «چند شغله بودن و عدم وجود فرصت کافی برای مطالعه» بود. نتایج نشان می‌دهد از نظر افراد مورد بررسی به میزان «نسبتاً زیادی» شاخص فوق بر موضوع مورد بحث تأثیر گذار است. شاید مشکلات اقتصادی و تورم حاکم بر جامعه یا افزایش سطح توقعات عامل آن باشد. که بطور اجباری نیروی انسانی فعال جامعه را به سوی چند شغله شدن سوق داده باشد. این مشکل موجب کاهش شدید زمان و حتی علاقه به مطالعه به خاطر کم حوصلگی و خستگی شده است. متغیرهای مستقل تحقیق نیز روی میزان تأثیر شاخص بر موضوع، مؤثر نبوده‌اند و در این زمینه اتفاق نظر وجود داشته است. این نتیجه با چند مورد از نتایج مطالعات قبلی تطابق دارد^(۵).

«تبلیغات ضعیف» و «کمبود کتابخانه‌های عمومی و ملی در سراسر کشور» از دید اعضای نمونه تحقیق، تأثیر متوسط (ارزش متوسط = ۳) تا نسبتاً زیادی (ارزش متوسط = ۳/۴) بر موضوع بحث داشته است. البته با توجه به تحولاتی که به وسیله سازمان‌های جهادسازندگی استانها بر روند تأسیس کتابخانه‌های عمومی بالاخص در روستاهای کشور صورت گرفته است امید آن می‌رود بخشی از مشکل مذکور مرتفع گردد. همچنین بر اساس اطلاعات موجود، ۷۵۰ کتابخانه در مساجد کشور فعالند و ان‌شاءالله هر چه سریعتر تعداد و کیفیت آن مراکز افزایش یابد^(۶). با توجه به عدم وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و میزان تأثیر شاخص فوق روی موضوع، در این زمینه بین نظرات افراد تقریباً تشابه وجود دارد. در همین راستا «ضعف کتابخانه‌های عمومی و ملی سراسر کشور» از لحاظ تنوع، کیفیت و کمیت و عدم برگزاری نمایشگاه‌های فروش کتاب در کلیه نقاط کشور از عوامل عمده مؤثر بر ساختار نابهنجار فرهنگ کتابخوانی تلقی شده است. تعدد ذوق، سلیقه و علاقه مردم، تعدد تخصص‌های علمی، پراکندگی جمعیت در نقاط مختلف کشور بالاخص در نقاط روستایی، لزوم ایجاد کتابخانه‌هایی با کیفیت بالا در مناطق مختلف را تأیید می‌نماید. ضعف تبلیغات که خود منبع بسیاری از عوامل می‌باشد، لازم است همگام با سایر مشکلات نسبت به رفع آن اقدام گردد. متغیر سن در سطح ۵٪

همبستگی معنی داری با عقیده افراد نمونه در رابطه با میزان تأثیر عدم برگزاری نمایشگاه‌های فروش کتب داشته است. همچنین بین میانه گروه‌های مختلف پاسخگو از لحاظ سطح تحصیلات با دیدگاهشان نسبت به میزان تأثیر شاخص فوق بر موضوع مورد بررسی در سطح ۵٪ اختلاف معنی داری وجود دارد (کای اسکوار = ۷/۲۱۰۱). بنابراین با افزایش سن افراد، تأثیر این شاخص بر عدم کتابخوانی بیشتر تلقی شده است که این امر نشان می‌دهد افراد با توجه به میزان تجربه‌ای که داشته‌اند نظر مثبتی نسبت به این قضیه ارائه نموده‌اند. و همچنین با افزایش سطح تحصیلات، شاخص مذکور اهمیت بیشتری یافته است.

«حاکمیت تفکر مادی در جامعه» شاخص دیگری است که مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که این شاخص تأثیر نسبتاً کمی بر عدم استقرار و حاکمیت فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعه دارد (ارزش متوسط = ۲/۴)، و بین متغیرهای مستقل و این شاخص رابطه‌ای دیده نشده است. تفکر مادی اصولاً سنخیتی با کتاب و کتابخوانی که یک موضوع معنوی است ندارد و تفاوت ریشه‌ای با یکدیگر دارند. متأسفانه عواملی به استقرار این تفکر در جامعه اسلامی ماکمک کرده است و مانع فرهنگی عمده‌ای در مسیر پیشرفت کشور به وجود آورده است. «شیوع بیکاری و کمی فرصت‌های شغلی» شاخص دیگری است که از دید ۵۰ درصد اعضای نمونه تحقیق عامل موثری در موضوع مورد بررسی است (ارزش متوسط = ۳). اصولاً با توجه به تأثیری که این عامل را در کاهش اعتماد به نفس، افزایش تشنگی افکار اعصاب و ناراحتی‌های رفتاری افراد باعث کاهش توان و فرصت یادگیری و مطالعه قشر جوان، فعال و مستعد جامعه می‌شود، شاید نتیجه فوق متأثر از دلایل فوق باشد. از جانب دیگر بین میانه گروه‌های مختلف پاسخگو از لحاظ سطح تحصیلات و نوع شغل با نوع دیدگاهشان نسبت به تأثیر شاخص فوق بر موضوع مورد بررسی در سطح ۱٪ و ۵٪ (کای اسکوار = ۱۴/۶۵۱۴ و ۵/۶۴۷۹) اختلاف معنی داری دیده می‌شود.

به عبارتی با افزایش سطح تحصیلات و تخصصی شدن مشاغل، اثر شیوع بیکاری و کمی فرصت‌های شغلی بر عدم استقرار فرهنگ کتابخوانی در ایران بیشتر

تلقی شده است.

خانواده‌ها با توجه به نقشی که در تربیت و اجتماعی کردن فرزندان خود دارند می‌توانند عملکرد آنان را در ارتباط با مطالعه و کتابخوانی افزایش دهند. در این مطالعه تأثیر ضعف خانواده‌ها در ایفای نقش مذکور در حد نسبتاً زیادی (ارزش متوسط = $3/2$) تلقی شده همبستگی بالایی نیز در سطح 5% بین سن و میزان تأثیر عامل فوق بر موضوع مورد بررسی دیده شده است. یعنی افرادی که سالهای بیشتری را در امر «تربیت فرزندان» گذرانده‌اند و با کودکان و نوجوانان بیشتر در ارتباط بوده‌اند تأثیر این عامل را بر موضوع کتابخوانی بیشتر دانسته‌اند. از طرفی بین میانه گروههای مختلف پاسخگو از لحاظ سطح تحصیلات و نوع شغل با نوع دیدگاهشان نسبت به تأثیر این شاخص اختلاف معنی‌داری در سطح 1% با کای اسکوار $10/7069$ وجود دارد. اصولاً فرهنگ جامعه باید به سمتی حرکت کند که رفتارهای مثبت در زمینه کتابخوانی در هر لحظه‌ای تقویت گردد به عنوان مثال: هدایای والدین و دوستان، کتاب باشد و برای خانواده‌ها مشخص گردد که واقعاً در این کتابها تجارب چند صد ساله‌ای نهفته است که برای آنها، قابلیت دسترسی بالایی از لحاظ زمانی، مکانی و مادی ایجاد می‌کنند.

خانوادم، کانون کسب علم و معرفت اولیه است و در بعضی شرایط نقش اساسی در مسیر کامل شخصیت، دانش و مهارت اجتماعی و حرفه‌ای نسل آینده ایفا می‌نماید. سطح بالای آگاهیهای علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خانواده، تأثیر فراوانی در رشد و توسعه فردز در جامعه دارد. بنابراین ضروری است والدین در این راستا تلاش نمایند و از موضوع به سادگی گذر نکنند.

والدین باید بدانند از پدر و مادر ناآگاه، بندرت فرزندان آگاه تحویل جامعه داده می‌شود و بالطبع از والدین دور از کتاب، کمتر فرزندان مطلع، تحویل جامعه داده می‌شود. علم‌اللهدی امروز ایران (محمد حسین طباطبایی) به اعتقاد بسیاری از عالمان اسلام، روانشناسان و جامعه‌شناسان ایرانی نمونه بارز این مدعاست. والدین لازم است از چند راه بر تلاشهای خویش برای دستیابی به مقصود مذکور بیفزایند.

- ۱- مطالعه در منزل بویژه در حضور فرزندان.
 - ۲- دادن کتاب به عنوان هدیه در موقعیتهای مختلف.
 - ۳- بردن فرزندان به نمایشگاههای کتاب.
 - ۴- تشویق مادی و معنوی فرزندان برای خواندن کتاب.
 - ۵- برقراری ارتباط نزدیک با فرزندان.
 - ۶- ایجاد رقابت در خواندن مطالب غیر درسی در کنار کتب درسی.
- در این مطالعه «ضعف آموزش و پرورش در گسترش فرهنگ کتابخوانی» به نسبت عوامل مورد بحث قبلی به میزان بیشتری مؤثر شناخته شده است. با توجه به اهرمهای قوی تربیتی و آموزشی که این سازمان در اختیار دارد مطمئناً می تواند با آموزش صحیح آینده سازان کشور، نقش بسیاری در گسترش فرهنگ مطالعه در کشور ایفاء کند. شاید موارد فوق دلیل دستیابی به این نتیجه باشد. متغیرهای مستقل نیز بر میزان تأثیر این عامل بر موضوع مورد بررسی اثری نداشته اند. آموزش و پرورش باید با چشاندن لذت درک و فهم، یادگیرنده ای تربیت کند که به جای گریز از کلاس، جوایای علم باشد. اگر معلم به او کتاب نداد از او طلبکار باشد، اگر معلم به کلاس آمد و منبع درسی مناسبی ارائه نداد نگران شود و بدنبال کتاب باشد. توصیه می شود آموزش و پرورش در برنامه ریزی آموزشی مدارس تجدید نظر کند و «ساعت مطالعه» که مطالعه کتب غیر درسی و «نحوه صحیح مطالعه»، آموزش داده می شود در نظر بگیرد و دانش آموزان را به سوی مطالعه کتب غیر درسی ترغیب نماید.

از همین دیدگاه «ضعف قوانین استخدام کشوری» تأثیر نسبی بر عدم مطالعه خوانی در جامعه داشته است (ارزش متوسط = $2/8$). قوانین فوق بیشتر بر مدرک تحصیلی و سابقه خدمت تأکید دارند در حالی که بطور منطقی باید بر میزان دانش، مهارت و کارایی فرد تکیه داشته باشند. به همین دلیل ممکن است باعث ضعف عملکرد افراد و دلسرد کردن آنان نسبت به مطالعه و کتابخوانی شده باشد. عامل مداخله کننده دیگری که مد نظر واقع شد «گسترش برنامه های رادیویی و تلویزیونی» است. این عامل در حد «نسبتاً زیادی» بر کاهش گرایش به مطالعه در

سطح جامعه موثر شناخته شده است. شاید کاهش اوقات فراغت و آسودگی افراد و سرگرم کننده بودن برنامه‌ها بدون اینکه بتواند عامل محرکی جهت ایجاد و افزایش انگیزه و حس کنجکاوی بینندگان برای مطالعه و کتابخوانی بوده باشد دلیل عمده این مسئله باشد.

در بسیاری از جوامع توسعه یافته، مراکز و سازمانهایی در جامعه استقرار پیدا کرده‌اند که با پشتیبانی گسترده مراکز قدرت به صورت قانونمند فعالیت می‌کنند. این مراکز به طور مستمر با طرح سئوالات و مسائلی خاص، افراد فعال و نیروی تفکر جامعه را به سوی کشف پاسخها از طریق مطالعه حرکت می‌دهند و مشوقهای لازم را نیز چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی، ارائه می‌کنند. متأسفانه در ایران چنین مراکزی به صورت سازمان یافته وجود ندارد و این مسئله به میزان زیادی (ارزش متوسط = ۴) عامل مؤثری در عدم کتابخوانی شناخته شده است. برگزاری مکرر مسابقات کتابخوانی در موضوعات مختلف و با روش آزاد می‌تواند گام مؤثری در نهضت کتابخوانی تلقی شود. نتایج این مسابقات باید با تبلیغ شایسته‌ای اعلام در زمان و مکان مناسبی به اطلاع عموم افراد جامعه برسد. ارکان فرهنگی یک ملت، ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه را تشکیل می‌دهد و نقش بسیار مهمی بر تشکیلات اجتماعی و رفتار افراد دارد. متأسفانه با وجود تأکیدات فراوانی که بر مطالعه در دین مبین اسلام شده است، به جهت برخی عوامل که ذکر آن رفت و همچنین تلاشهایی که در قرون گذشته جهت دورنگاه داشتن ذهن مردم از این مهم و حکمفرما ساختن ساختار نامناسب فرهنگی در جامعه صورت گرفته است، اهمیت و ضرورت موضوع را برای اکثریت افراد جامعه به تأیید و ادراک واقعی نرسانده است. بر این اساس اعضای نمونه تحقیق به میزان زیادی (ارزش متوسط = ۴) اعتقاد دارند ضعف فرهنگ حاکم بر جامعه از لحاظ تأکید بر مطالعه و کتابخوانی موجب عدم استقرار و گسترش فرهنگ کتابخوانی در ایران شده است. بنابراین باید برنامه‌ریزی منظم و جامعی در هر خانواده ایرانی صورت گیرد و «مطالعه» به شکل غزیزه‌ای که ارضای آن در درون خانواده دارای اهرم قوی است و مانند غذا خوردن که نیاز حیاتی افراد باشد، تعداد کتاب و قفسه‌های کتاب در هر

خانواده افتخار آن خانواده می‌باشد و بسیاری موارد دیگر که لازم است نهادینه شوند تا فرهنگ این جامعه اصلاح گردد.

رهیافتهای ترویج و گسترش کتابخوانی و مطالعه در ایران

براساس دیدگاه اعضای نمونه تحقیق، بترتیب رهیافتهای موجود در جدول (۳) بالاترین اهمیت و اولویت را در راستای توسعه فرهنگ کتابخوانی و مطالعه در کشور دارند.

جدول (۳): رهیافتهای ترویج و گسترش مطالعه و کتابخوانی

ردیف	رهیافت	تعداد	میانگین	رتبه
۱	ایجاد سازمانهای مخصوص برگزاری مسابقات کتابخوانی که بطور مستمر با کیفیت بسیار بالا فعالیت داشته باشند.	۱۷۰	۹/۷۶	۱
۲	رفع نواقص قوانین استخدام کشوری به منظور در اولویت قرار دادن افراد با معدن تحصیلی و سطح آگاهیهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بالا	۲۰۰	۸/۳۵	۲
۳	رفع قوانین محدود کننده مطبوعاتی	۱۷۰	۸/۱۲	۳
۴	گسترش آموزش زبانهای بین‌المللی در جامعه	۱۷۰	۷/۵۳	۴
۵	افزایش فرصتهای شغلی در جامعه	۱۸۰	۷/۳۹	۵
۶	افزایش کمیت و کیفیت کتب کتابخانه‌ها	۲۰۰	۷/۵۲	۶
۷	چاپ و انتشار کتب با عناوین مختلف و سازگار با سلیقه و ذوق عموم مردم	۱۸۰	۶/۹۵	۷
۸	برگزاری نمایشگاههای بزرگ و کوچک فروش کتب در شهرهای مختلف و مراکز دهستانها	۲۰۰	۶/۸۲	۸
۹	افزایش کتابخانه‌های ملی و عمومی در سراسر کشور بالاخص در روستاها و شهرهای کوچک	۲۳۰	۵/۹۶	۹
۱۰	تلاش آموزش و پرورش کشور در رفع نواقص تدریس و آموزش در مدارس و تبدیل آموزش از ارزش نهادن تنها به حفظیات بسوی ارزش نهادن بر توان درک مطلب و سطح آگاهیهای علمی و عملی فراگیران.	۱۸۰	۵/۶۱	۱۰
۱۱	رفع نسبی مشکلات اقتصادی مردم	۱۸۰	۵/۶۱	۱۱
۱۲	آموزش خانواده‌ها در زمینه تشویق فرزندان خویش به مطالعه	۲۳۰	۵/۳	۱۲
۱۳	گسترش هر چه بیشتر تبلیغات مربوط به کتابخوانی بین بالاخص نسل جوان	۲۰۰	۵	۱۳
۱۴	کاهش قیمت کتب و نشریات	۲۰۰	۳/۱۵	۱۴

نتیجه گیری :

رشد آگاهیهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد، پیش نیاز توسعه فراگیر جامعه به شمار می آید و اهرم اصلی افزایش آگاهی، گسترش «فرهنگ مطالعه و کتابخوانی» است. متأسفانه در ایران عوامل مختلفی باعث تخریب و کاهش بازدهی نظام مذکور گردیده است که شناخت آنها و راههای مقابله با آنها حیاتی است و مطالعه حاضر بدین منظور به اجراء گذاشته شد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که عواملی مانند فرهنگ حاکم بر جامعه، ضعف مشوقهای سازمان یافته، ضعف کتابخانه‌های موجود از لحاظ تنوع، کمیت و کیفیت کتب، بر عدم استقرار کتابخوانی در بین طبقات مختلف جامعه مؤثر است. بخش دیگری از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از جمله رهیافتهای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، ایجاد سازمانهای مشوق و متولی گسترش کتابخوانی در جامعه، رفع نواقص قوانین استخدام کشوری، رفع قوانین محدود کننده مطبوعاتی است. امید است نتایج این مطالعه، مورد عنایت مسئولین مربوطه قرار گیرد و زیربنای محکمتری در فرایند توسعه کشور به وجود آید.

پانویسها:

- ۱- «بررسی و تعیین عوامل مهم راهبرد توسعه انسان و نقش آن در فرایند توسعه ایران» مجله پژوهشگران، شماره ۱۳، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، صفحات ۵-۶.
- ۲- مظلومگر، فریدون. کتابخوانی و مشکلات فراراه. مقاله روزنامه اطلاعات، مورخ ۷۵/۸/۱۹، صفحه ۶.
- ۳- فدایی عراقی، غلامرضا. بررسی تنگناها و مشکلات موجود اطلاع‌رسانی کشور. مجله اطلاع‌رسانی، شماره ۴، ۱۳۷۳.
- ۴- برازش، علیرضا. رشد و گسترش عادت به کتابخوانی راهگشای توسعه صنعت نشر. اطلاعات، ۷۵/۸/۱۳.
- ۵- گزارش مربوط به بازار کتاب فروشی «گزارش روزنامه سلام، شماره ۱۵۷۴، ۷۵/۸/۱۹.
- ۶- میرسلیم، مصطفی. وضعیت نشر در ایران. روزنامه اطلاعات، ۷۵/۸/۶، صفحه ۶.